

ایران - افغان

عهدنامه مودت

جمادی الاخر ۱۲۷۳ ه. ق. / ژانویه ۱۸۵۷ م.

صورت قرارنامه ایست که اولیای دولت علیه ایران در باب قندهار با سردار «محمدعلم خان» پسر سردار «رحمدل خان» مقرر فرموده اند. مورخه شهر جمادی الاخر سنه هزار و دویست و هفتاد و سه هجری. این قرارنامه به مهر جناب جلالتماآب صدراعظم رسیده و بسردار مشارالیه داده شده است.

نظر به این که مرحوم سردار کهندل خان در خدمت اولیای دولت علیه ایران از سایر سرداران افغانستان حسن خدمت و سبقت خود را ظاهر ساخت، کمال سعی و اهتمام از اولیای دولت علیه مبذول خواهد افتاد که ملک قندهار را از تصرف امیر دوست محمدخان بیرون آورده به تصرف عمدة الامراء العظام سردار رحمدل خان و اولاد مرحوم کهندل خان بدهند که حکومت آنجا به سردار رحمدل خان تعلق داشته باشد و سایر خانواده ها نیز کمافی السابق در جای خویش نان و گذرانی داشته باشند و این اوقات که سردار مزبور وکالتاً از جانب خود نتیجه الامراء العظام سردار محمدعلم خان پسر ارشد خود را به رکاب مبارک سرکار اقدس اعلیحضرت شاهنشاه ایران - ضائفها الله تعالی عن الخدثان - فرستاده بود، اولیای این دولت جاوید مدار خواستند که سردار معزی الیه را از مکتونات خاطر خود مستحضر سازند. حسب الامر الاقدس به ترقیم این صحیفه پرداختند که سردار معزی الیه مطلع گشته با اطمینان خاطر خدمت دولت را از کف نگذارد. چنانکه سردار قندهار از عهد شاهنشاه مبرور البسه الله تعالی حلال النور در خدمت دولت ایران نسبت به سایر افغانستان سبقت خدمت جستند، از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت شاهنشاه

جهان‌پناه ایران نیز در شمول مکرمات و ظهور مرحمت بر سایر سرداران قندهار سبقت داشته باشند و در مقام ارجاع خدمت بیشتر و برتر از سایر [حکام] افغانستان باشند.

دولت علیّه ایران در قندهار و سایر افغانستان، بطرز تملک و تصاحب مداخله نخواهد کرد و خواهش مالیات و غیره حبه و دیناری نخواهد نمود، مگر این که به میل خاطر خودشان پیشکش^۲ بفرستند، اولیای دولت علیّه قبول خواهند فرمود و همیشه به خلاق و احسانات و مکارم ملوکانه از جانب سنی‌الجوانب شاهنشاهی - ضانها^۳ الله تعالی ایام شوکته غنی التناهی - مفتخر و سرفراز خواهند بود.

دولت علیّه ایران هر یک از سرداران افغانستان را در قندهار یا کابل در حکومت ولایت خود مستقل و مستقر می‌خواهد و راضی نمی‌شود ابداً یکی از آنها به دیگری مستولی و مسلط شود و مداخله در ولایت دیگری کند، البته دولت ایران از حمایت طرف ضعیف دریغ نخواهد نمود که هر یک در مملکت متعلقه به خود کمال استقلال و استقرار داشته باشد.

دولت علیّه ایران بعد از فتح قندهار قشون ساخلو در قندهار نخواهد گذاشت، مگر این که سردار رحمدل خان اگر برای تقویت خود خواهش کند هر قدر که او خواهش داشته باشد موقتاً گذاشته می‌شود که آن هم به اختیار سردار معزی‌الیه باشد و بعد از کمال استقلال و استقرار سردار معزی‌الیه برداشته می‌شود.

اگر احیاناً از دولت اجنبیه از خارج به قصد مداخله و تصاحب افغانستان عموماً و قندهار خصوصاً دشمنی روی دهد، البته در ایامی که قشون دولت ایران در طرف قندهار خواهد بود، خواه برای دشمن سردار رحمدل خان و قندهاری و خواه برای دفع دشمن دولت علیّه ایران، از فرستادن قشون و کل اخراجات به هیچ وجه مضایقه نخواهد نمود که به هر قسم باشد دفع دشمن و معاندان را از آنها بکند و همچنین سردار رحمدل خان نیز می‌باید اگر برای این دولت از دولت اجنبی و همسایه دشمنی بهم‌رسد یا برای دولت در داخله خراسان یا جای دیگر قشونی ضرور شود از قندهار بقدر مقدور در دادن قشون و موافقت با قشون کوتاهی ننماید. بدیهی است از دولت برای اخراجات آنها وجهی معین خواهد شد.

البته سردار رحمدل خان به قدر قوه در سیورسات قشون دولت معاونت خواهد نمود و علاوه از آنچه سردار رحمدل خان از خود در سیورسات قشون دولت کمک خواهد نمود، در تسهیل ابتیاع سیورسات جهت قشون دولت لازمه اهتمام و سعی را به عمل خواهد آورد.

اگر خدانکرده از دشمن خارج وهن و سستی در کار سرداران قندهار روی دهد که نتوانند در قندهار زیست نمایند و به خاک این دولت بیایند در دولت ایران معزز و محترم خواهند بود و برای سکنی و محل اقامت آنها قراری شایسته خواهند داد و قراری با مدد معاش آنها داده خواهد شد که از

۱ - اصل: افغان.

۲ - اصل: پیشکش.

۳ - اصل: سان.

این رهگذر آسوده خاطر باشند.

در باب سرداران قندهاری و اولاد مرحوم کهندل خان که قرار و مدار آنها حرف سردار رحمدل خان بر همه مقدم خواهد بود و به صوابدید سردار معزی‌الیه قرار خواهند داد، بلکه هر یک از سردار زادگان را که مصلحت ندانند در قندهار بمانند، اولیای دولت علیه نخواهند گذاشت و به داخله ممالک ایران خواهند آورد و لیکن اخراجات آنها باید موافق قرارداد اولیای دولت علیه سردار معزی‌الیه از قندهار بفرستد که مدار معاش او در ایران بشود.

جمیع حجاج و زوّار و عابریین و متردّدین افغانستان عموماً و قندهار خصوصاً در هر جایی از ممالک محروسه هستند از احدی به آنها آزار و اذیت نخواهد شد و در گمرک و سایر چیزها مثل سایر تبعه دولت علیه ایران با آنها رفتار می‌شود که در هر جا مثل سایر تبعه این دولت آسوده و مرفه‌الحال باشند و از خاندان سرداران قندهار اناثاً و ذکوراً و کل اناغنه از فقرا و غرباء و علماء و هر که خواسته باشد به جهت زیارت مشهد مقدّس و نجف اشرف و کربلای معلّی و مکه معظمه بروند کسی مانع آنها نخواهد شد و از خاک ممالک محروسه می‌گذرند.

چون غرض اصلی از وجود مسعود سلاطین که *ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ* اند اصلاح بلاد و رفاه عباد است، هرگاه اولیای دولت علیه اطلاع بر حال مظلوم و ملهوفی بیابند و به جهت اصلاح امر ولایت و رفاهیت رعیت نسبت به کسی مرحمتی یا وظیفه مقرّر کنند یا تخفیفی به بیچاره بدهند، سرداران قندهار حکم اولیای دولت علیه را مجری و ممضی خواهند داشت که موجب مزید دوام دولت و آبادی ولایت و استحکام حکومت سرداران خواهد بود و این قدر اولیای دولت علیه مغلول‌الید از امر آن ولایت نباشند که به داد مظلوم و ملهوفی نرسند، بلکه اگر مظلوم و ملهوفی بهم‌رسد که به اولیای دولت علیه عرض نمایند حکمی که از جانب دولت صادر گردد معمول و مجری دارند.

در خصوص تجّار و عابریین ولایات ایران چون که دولت ایران نسبت به حجاج و زوار و تجار قندهار سلوک می‌کند، سرداران قندهار نیز با آنها سلوک کرده از شرّ تعدّی جُهاال و اشرار خود و بی‌حسابی قطاع‌الطریق محافظت و صیانت نمایند و اگر تعدّی بر آنها بشود در مقام بازخواست و تلافی برآیند.

یک شخصی از جانب دولت همیشه در قندهار باشد که مراتب و متصدی امور رعیت ایران و بعضی از تابعین مخصوص دولت علیه در آن‌جا باشد که هرگاه نسبت به آنها تعدّی شود یا امری که به حاکم رجوع شود اتفاق افتد، در این خصوص آن شخص مخصوص با سرداران گفتگو نماید و تمشیت آن امر را بدهد و این شخص خواه از اینجا مقرّر شود و خواه از همان‌جا برقرار شود تفاوتی نمی‌کند، این قدر باشد که این کارها از او خواسته شود.

اولیای دولت علیه ایران این شرایط را درباره حفظ کُلّ سرداران افغانستان مرعی و منظور خواهند داشت، مادام که آنها چشم و گوش به طرف این دولت داشته باشند و خود را بسته به این دولت بدانند، والا اگر بخواهند از این دولت کناره بگیرند و طریق مخالفت جویند یا به‌همدیگر

دست‌اندازی نمایند آن وقت البتّه اولیای دولت علیه حقّ خواهند داشت که در مقام تأدیب آنها برآیند و آنها را به حالت خلاف نگذارند.

تحریر آئی شهر جمادی الاخری سنه یک‌هزار و دوست و هفتاد و سه هجری نبوی.

□ □ □

صورت قرارنامه ایست که همین فقرات را سردار محمّد علم خان

نوشته و به اولیای دولت علیه سپرده است. سنه ۱۲۷۳ ق.

بنده درگاه جهان‌پناه و کالتاً از جانب قبله گاه صاحب خود سردار رحمدل خان سردار قندهار که از عرایض ایشان معلوم می‌شود که مرا وکیل نموده است در خدمت اولیای دولت علیه ایران - ضانهاالله تعالی عن الحدّثان - فقرات مسطورّه ذیل را قبول می‌نماید که إن شاءالله بعد از فتح قندهار امضای همین فقرات را به مهر قبله گاه خود سردار رحمدل خان گرفته بفرستد.

چنانکه از قدیم‌الایام قندهار تابع دولت علیه ایران بود، بعد از این کماکان از نوکری و خدمت این دولت انحراف ننماییم و هرچه فرمایش و اطاعت بقدر طاقت اولیای این دولت باشد بدون تعلل قیام و اقدام نماییم و خود را بسته و متعلّق به این دولت بدانیم و خود را در زیر حمایت این دولت دانسته و می‌دانیم و هر کدام از سرداران افغانستان که خواسته باشند با دولت علیه مخالفت نمایند، این بنده درگاه به اجازه اولیای دولت علیه در مقام طرد و منع برآیم و به هر طوری که اولیای دولت علیه دستورالعمل بدهند رفتار کرده مغایرت ننماییم.

از فرستادن پیشکش و عریضه و آدم فرستادن و عرض حالات خودمان به اولیای دولت علیه کوتاهی ننماییم و اولیای دولت علیه را همیشه از حالات خودمان مستحضر سازیم و روی خدمت به این دولت ابدی آیت داشته از جمیع دول احترام و تبری خواهیم داشت و آنچه سرداران قندهار است بدون اذن و اجازه دولت ایران از خاک خود تجاوز ننماییم و هرگاه کابلی بخواهد از خاک خود تجاوز کند و داخل خاک و نواحی قندهار بشود اولیای دولت علیه آنها را ممانعت کرده نگذارند و از جانب دولت تنبیه شوند.

دولت علیه ایران با هر دولتی جنگ یا صلح داشته باشد، این بندگان در صلح

شریک و در جنگ رفیق دولت هستیم و این‌شاء‌الله تعالی موافق سایر تبعه، بلکه بیشتر از سایرین به دولت علیّه ایران تابع می‌باشیم.

هر وقت ضرور شود و از دولت علیّه اظهار و اعلام شود و قشون برای دولت علیّه لازم شود در فرستادن قشون بقدری که لازم باشد و بقدری که بتوانیم مضایقه بنماییم باید از جانب اولیای دولت علیّه وجه نعلبندی^۴ و تدارک مقرر شود که به رکاب همایون حاضر شوند، بعد از رفع احتیاج دولت علیّه معاودت نمایند.

نیز قرار می‌دهد کمترین بندگان که سرداران قندهار مطلقاً و اصلاً با دولت انگلیس مراوده و دوستی ننمایند، بلکه مردم خود را ممانعت نمایند از آمد و شد غیر تجارتمی و مراوده و دوستی با انگلیس.

معلم قشونی یا توپخانه و غیره هرچه ضرور شود و لازم داشته باشیم از دولت علیّه ایران می‌خواهیم و از دولت‌های دیگر آبداء معلم برای فوج و یا سرباز نگاه نداریم. از جانب اولیای دولت علیّه اگر در حق کسی از اهالی آن‌جا وظیفه یا مقرری مرحمت شود که اولیای دولت علیّه به قندهار حواله نمایند، بدون مضایقه همان را مقرر و برقرار خواهیم داشت و همچنین اگر مظلومی و ملهوفی از اهل این ملک خدمت اولیای دولت علیّه عارض شود، اولیای دولت علیّه حق خواهند داشت که غوررسی کرده به هرطور حکم از جانب دولت صادر شود این‌شاء‌الله تعالی سرداران قندهار همان را مجری دارند.

سرداران قندهار متعهد می‌شوند که تجار و اهالی ایران را از هر بلّیه و آسیبی در خاک خود مصون و محروس دارند و اگر از جهال و قطاع‌الطریق آسیبی به جان یا مال آنها برسد اموال آنها را از مرتکبین مسترد سازند و مرتکبین را به سزای خود برسانند. بعد از برقرار شدن سردار رحمدل خان در قندهار و بر حکومت قندهار اگر قشون دولت به طرف قندهار بیاید خواه برای دفع دشمن سردار رحمدل خان و قندهاری و خواه برای دفع دشمن دولت علیّه سردار رحمدل خان در سیورسات قشون دولت علیّه بقدر مقدور معاونت خواهد کرد و مضایقه نخواهد نمود و علاوه از آنچه سردار رحمدل خان خود سیورسات می‌دهد در اتباع سیورسات جهت قشون دولت علیّه سعی و اهتمام خواهد نمود که تسهیل بعمل آید.

۴. خراجی اندکی که از رعیت گیرند (ناظم‌الاطباء).

دیگر آن که شخصی از جانب دولت علیّه ایران در قندهار باشد که مراقب و متصدی امور رعیت ایران و بعضی تابعین مخصوص دولت علیّه ایران بوده، هرگاه نسبت به آنها تعدی و ظلم شود و یا امری که در آن رجوع به حاکم شود اتفاق افتد در این خصوص این شخص مخصوص با سرداران گفتگو نماید و تمشیت امر را بنماید و این شخص خواه از اینجا مقرّر شود و خواه از مردم همانجا به صلاح سرداران، اما در گذرانیدن این امور جزئی تفاوتی نمی‌کند این قدر باشد که این کار ازو ساخته شود.

بعد از آن که استخلاص و انتزاع قندهار از چنگ امیر دوست محمدخان و استقلال و استقرار سردار رحمدل خان در حکومت آنجا به تقویت قشون ظفر نمون دولت علیّه به عمل آمد، بدیهیست اولیای دولت علیّه ایران با تحمل این همه مخارج و خسارت حق خواهند داشت که مطالبه نمایند و مردم را راضی کنند امتیازی را که بستگی سردار رحمدل خان و اهالی قندهار بر دولت علیّه ایران در انظار دور و نزدیک ظاهرتر باشد و به مصلحت سرداران قندهار [است] که مردم راضی شوند و نیز در این است که بستگی خود را بیشتر ظاهر نمایند و آن این است که سگه و خطبه را در قندهار به نام نامی و اسم گرامی سرکار اقدس اعلیحضرت شاهنشاهی - ضائهاالله تعالی ایام شوکته عن التناهی - روح العالمین بکنند، لیکن از آنجا که مردم آن سامان همه افغان و وحشی صفت هستند انجام این مرام قدری صعب‌القبول است، مگر در صورتی که فتح قندهار به دست قشون دولت علیّه بشود و سردار رحمدل خان را برقرار نمایند، در این صورت بدیهی می‌نماید که سهل‌تر خواهد بود. پس بر ذمه کُلّ سرداران لازم است که بر اهالی قندهار مدلل نموده، بعد از آنکه قبول نکنند خواهند گذاشت در آن صورت بسیار سهل و آسان میسر خواهد شد. سردار رحمدل خان و سایر سرداران البتّه بالطوع والرغبه قبول خواهند داشت و اگر به طوری کار بشود که مردم خود بلوی دهند بی آنکه قشون دولت علیّه به قندهار برسد قندهار را تخلیه نمایند، در آن صورت حصول این مقصود بالکُلّ منوط به رضای ملت و اهل ولایت خواهد بود و سردار رحمدل خان و سایر سرداران آنچه لازمه سعی و کوشش است در هر صورت به عمل خواهند آورد که إن شاء الله تعالی این عمل را بلکه انجام بدهند و بستگی خود و اهل خود را به این دولت برای دفع دشمن خارج و داخل زیادتیر ظاهر سازند.

بنده درگاه جهان پناه محمدعلم خان به وکالت مطلقه از جانب قبله گاه صاحبی خود فقرات مسطورۀ فوق را به جهت قبله گاه صاحبی خود سردار فوق که مرا وکیل مطلق نموده است گرفته، قبولی آن را از جانب سردار مومی الیه خدمت اولیای دولت علیۀ ایران ارسال می دارم که این قرارداد إن شاء الله تعالی ابدالاباد برقرار بماند.
حزّر فی شهر جمادی الثانی سنۀ یک هزار و دو بیست و هفتاد و سه هجری.

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/treaties/>